021-91016775
t.me/kartaban
www.kartaban.com

عنوان

رای وحدت رویه شماره ۷۵۷ مورخ ۲۹/۰۱/۱۳۹۶ هیات عمومی دیوان عالی کشور

دعوی مطالبه خسارت تاخیر تادیه محکوم‌به در صلاحیت دادگاه است

برای دسترسی به کلیه قوانین و مقررات، آموزش ها و مقالات تخصصی قانون کار

در سایت اینترنتی کارتابان

اینجا کلیک کنید

021-91016775
t.me/kartaban
www.kartaban.com

مقدمه

جلسه هیات عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرونده وحدت رویه ردیف ۴۸/۹۵ در ساعت ۸:۳۰ روز سه‌شنبه مورخ ۲۹/۰۱/۱۳۹۶ به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای کریمی رییس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای محمد مصدق نماینده دادستان کل کشور و با شرکت آقایان روسا، مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب دیوان عالی کشور، در سالن هیات عمومی تشکیل شد و پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید و قرائت گزارش پرونده و طرح و بررسی نظریات مختلف اعضای شرکت کننده در خصوص مورد و استماع نظر دادستان محترم کل کشور که به ترتیب ذیل منعکس می‌گردد، به صدور رای وحدت رویه قضایی شماره ۷۵۷ – ۲۹/۰۱/۱۳۹۶ منتهی گردید.

گزارش پرونده

احتراما معروض می‌دارد: بر اساس گزارش منضم نامه شماره ۹۴۲۶۳۶۰۸ – ۲۴/۱۲/۱۳۹۴ وصله از مجلس شورای اسلامی از شعب دهم و یازدهم دیوان عالی کشور با اختلاف استنباط از مواد یک و یکصد و پنجاه و هفت قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ آرا متفاوت صادر شده است که خلاصه جریان قضیه به شرح ذیل منعکس می‌شود:

الف .به دلالت محتویات کلاسه ۹۲۰۲۷۸ شعبه دهم دیوان عالی کشور، آقای قنبر ... دادخواستی به طرفیت شرکت بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی دشت گرمسار تقدیم کرده و مفاد خسارات تاخیر تادیه موضوع محکومیت خوانده به شرح دادنامه شماره ۱۳۷ – ۰۵/۰۵/۱۳۹۰ هیات تشخیص اداره کار و امور اجتماعی گرمسار مقوم به مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۱۵ ریال و هزینه دادرسی را مطالبه نموده، پرونده امر ابتدا در شعبه اول وراى حل اختلاف مرکزی گرمسار مطرح شده و منتهی به صدور رای شماره ۰۰۰۰۳۲ – ۱۷/۰۵/۱۳۹۱ مبنی بر محکومیت خوانده گردیده است. سپس با اعتراض محکوم‌علیه، پرونده به شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی گرمسار ارجاع شده و این شعبه به موجب دادنامه شماره ۴۰۰۵۷۲ – ۰۴/۰۷/۱۳۹۱ چنین رای می‌دهد: ... با عنایت به اینکه طبق ماده ۵۱۵ قانون آیین‌دادرسی مدنی کلیه خسارات اعم از تاخیر تادیه چه در زمان صدور حکم مطالبه شود، چه بعد از آن، باید در مرجع صالح صادر کننده رای اصلی مورد رسیدگی قرار گیرد، از طرفی، اختلاف فردی بین کارگر و کارفرمای ناشی از قانون کار، با توجه به قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ خصوصا مواد ۱ و ۱۵۷ قانون کار باید در هیات‌های حل اختلاف اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی مورد رسیدگی قرار گیرد؛ لهذا دادگاه با نقض رای بدون قرار عدم صلاحیت به شایستگی هیات مذکور مستقر در اداره کار و امور اجتماعی گرمسار صادر نموده و پرونده را در اجرای ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی در امور مدنی به دیوان عالی کشور ارسال کرده که پس از ثبت و ارجاع آن به شعبه دهم، طی دادنامه ۴۵۱ – ۱۴/۰۷/۱۳۹۲ به شرح ذیل اتخاذ تصمیم کرده‌اند:

«مورد خواسته مستفاد از مندرجات دادخواست تقدیمی خواهان مطالبه خسارت تاخیر تادیه محکوم‌به به رای شماره ۱۳۷ – ۰۵/۰۵/۱۳۹۰ هیات تشخیص اداره کار و امور اجتماعی گرمسار می‌باشد. نظر به اینکه ماهیت دعوی مطروحه با اختلافات ناشی از روابط کارگری و کارفرمایی موضوع ماده ۱۵۷ قانون کار، ارتباطی ندارد، لذا رای شماره ۴۰۰۵۷۲ – ۰۴/۰۷/۱۳۹۱ شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی گرمسار صحیح نبوده، ضمن نقض آن و اعلام صلاحیت همان دادگاه در رسیدگی به قضیه مطروحه، مقرر می‌دارد دفتر پرونده را در اجرای ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی به مرجع ذی‌ربط اعاده نماید.»

021-91016775
t.me/kartaban
www.kartaban.com

ب .طبق مندرجات پرونده کلاسه ۹۳۱۴۶۱ شعبه یازدهم دیوان عالی کشور آقای حسین ... دادخواستی به طرفیت شرکت ذوب فلزات ابهر به خواسته مطالبه خسارت تاخیر تادیه بدهی به مبلغ ۲۳۴/۳۲۳/۲۲۶ ریال در حق اینجانب گردیده، ولی متاسفانه با وجود صدور برگ اجراییه تا کنون اقدام به اجرای حکم ننموده است. تقاضای محکومیت خوانده به پرداخت خسارت تاخیر تادیه را دارم. شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی ابهر با اعتقاد به اینکه هرگونه اختلاف فی‌مابین کارگر و کارفرما باید در هیات‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع قانون کار حل و فصل شود و از آنجا که مطالبه خسارت تاخیر تادیه نسبت به اصل دن از متفرعات دعوی اصلی محسوب می‌گردد که به تبع اصل دعوا در صلاحیت مراجع موضوع ماده ۱۵۷ قانون کار است قرار عدم صلاحیت به شایستگی مراجع حل اختلاف اداره کار صادر و پرونده را در اجرای ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی به دیوان عالی کشور ارسال کرده است که پس از طرح در شعبه یازدهم به موجب دادنامه ۱۴۶۳ – ۳۰/۰۶/۱۳۹۳ چنین رای داده شده است:

»قرار عدم صلاحیت شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی ابهر که به اعتبار صلاحیت هیات تشخیص اداره کار آن شهرستان صادر شده است، با توجه به استدلال به عمل آمده، صحیح و مورد تایید است و پرونده جهت اقدام مقتضی اعاده می‌گردد«.

با توجه به مراتب مذکور در فوق، چون اعضای محترم شعبه دهم دیوان عالی کشور رسیدگی به مطالبه خسارت تاخیر تادیه محکوم‌به موضوع رای هیات تشخیص اداره کار و امور اجتماعی را با استدلال منعکس در رای، در صلاحیت دادگاه حقوقی دانسته ولی اعضای محترم شعبه یازدهم در نظیر مورد، هیات موضوع ماده ۱۵۷ قانون کار را واجد صلاحیت رسیدگی اعلام کرده‌اند و با این ترتیب اختلاف استنباط از قانون، موجب صدور آرا مختلف شده است، لذا به استناد ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری، طرح موضوع را برای صدور رای وحدت رویه قضایی درخواست می‌نماید.

حسین مختاری

معاون قضایی دیوان عالی کشور

نظریه دادستان کل کشور

»موضوع از این قرار است که هیات تشخیص اداره کار و امور اجتماعی خوانده را به پرداخت مبلغی در حق خواهان محکوم کرده است. خوانده به رای صادره تمکین نکرده و از پرداخت محکوم‌به امتناع کرده است. خواهان (محکوم‌له) پس از گذشت مدتی مطالبه خسارت تاخیر تادیه نموده است. شعبه دهم و یازدهم دیوان عالی کشور اختلاف نظر دارند که آیا این موضوع در صلاحیت دادگاه حقوقی است یا هیات تشخیص اداره کار؟

شعبه یازدهم معتقد است که رسیدگی به این موضوع در ثلاحیت هیات حل اختلاف اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی است، زیرا هرگونه اختلاف فی‌مابین کارگر و کارفرما به استناد ماده ۱۵۷ قانون کار باید در هیات‌های تشخیص و حل اختلاف مطرح شود و چون مطالبه خسارت تاخیر تادیه نیز از متفرعات دعوی اصلی (اصل دین) محسوب می‌شود به تبع، اصلی دعوی در صلاحیت همان هیات‌ها است، شعبه دهم دیوان عالی کشور معتقد است که ماهیت دعوی دوم هیچ‌گونه ارتباطی با اختلافات ناشی از روابط کارگری و کارفرمایی ندارد و لذا در ثلاحیت مرجع قضایی (دادگاه حقوقی) است. به نظر می‌رسد به دلایل زیر نظر شعبه دهم صائب است:

1. هیات تشخیص و هیات حل اختلاف کارگری (موضوع مواد ۱۵۷، ۱۵۸ و ۱۶۰ قانون کار) برای رسیدگی به هرگونه اختلاف فردی بین کارگر و کارفرما تشکیل می‌شوند، در حالی که دعوی دوم اختلاف بین کارگر کارفرما وجود ندارد و

چون محکوم‌علیه به رای قطعی صادر شده از سوی هیات تشخیص تمکین نکرده مدت زمان طولانی گذشته است، محکوم‌له مطالبه خسارت تاخیر تادیه را نموده است.

2. موارد صلاحیت هیات‌های تشخیص و حل اختلاف در ماده ۱۵۷ قانون کار احصا شده و این مورد از شمول آن خارج است.

3. تقاضای خواهان در دعوی دوم، خسارت تاخیر تادیه موضوع ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی است. با توجه به مندرجات ماده مذکور، پذیرش تقاضای وی مستلزم رسیدگی قضایی و احراز شرایط مندرج در آن ماده است و احراز آن شرایط، نیازمند رسیدگی قضایی است و رسیدگی قضایی خارج از صلاحیت مراجع حل اختلاف اداره کار است.

4. ماده استنادی شعبه یازده دیوان عالی کشور، ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی است که مقرر می‌دارد «دادگاه در موارد یاد شده میزان خسارت را پس از رسیدگی معین کرده و ضمن حکم راجع به اصل دعوا یا به موجب حکم جداگانه محکوم‌علیه را به تادیه خسارت ملزم خواهد نمود.»، اولا، این ماده مربوط به دادگاه است نه هیات‌های حل اختلاف. ثانیا، قاعده تبعیت که در این ماده مطرح شده است به این معناست که دادگاهی که به اصل دعوی رای می‌دهد به متفرعات آن نیز رای دهد و بر همین اساس در ماده ۱۷ قانون آیین‌دادرسی کیفری نیز مقرر شده است «دادگاه مکلف است ضمن صدور رای کیفری در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی نیز طبق ادله و مدارک کوجود رای مقتضی صادر کند.» حالا در همین فرض چنانچه دادگاه نسبت به جبران ضرر و زیان رای داد و محکوم‌علیه تمکین نکرد و محکوم‌له مطالبه خسارت تاخیر تادیه نموده، چه دادگاهی صلاحیت رسیدگی به این موضوع را دارد؟ قطعا همه معتقدند که دادگاه حقوقی صلاحیت رسیدگی دارد، نه دادگاه کیفری که قبلا به موضوع رسیدگی کرده است.

5. اگر بنا را بر این بگذاریم که خسارت تاخیر تادیه ناشی از دستمزد کارگر نوعی خواسته تبعی است و باید در مراجع حل اختلاف اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی رسیدگی شود، بایستی رسیدگی به دعوی اعسار مدیون (کارفرما) که منشا آن دین موضوع کارگری و کارفرمایی است را هم در صلاحیت مراجع حل اختلاف کار بدانیم که قطعا کسی این اعتقاد را نخواهد داشت.

6. مطالق اصل ۱۵۹ قانون اساسی و ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی، دادگستری مرجع رسمی رسیدگی به تظلمات است و صلاحیت مراجع اختصاصی بر خلاف اصل و استثنا است و در موارد شک باید به اصل مراجعه کرد.

7. ملاک رای وحدت رویه شماره ۶۰۴ – ۲۲/۱۲/۱۳۷۴ در تایید همین نظر است که مقرر می‌دارد «با توجه به حقوق و تکالیفی که در قانون مذکور برای کارگر و پیمانکار ملحوظ گردیده، مطالبه دستمزد و حقوق پیمانکار نسبت به کار انجام شده بر اساس قرارداد تنظیمی که مستلزم امعان نظر قضایی است، انطباقی با اختلاف بین کارگر و کارفرما نداشته و موضوع با توجه به شرح دعاوی مطروحه و کیفیت قرادادهای مستند دعوی از شمول ماده ۱۵۷ قانون کار خارج و بالنتیجه رسیدگی به موضوع در صلاحیت محاکم عمومی است.»

با توجه به مراتب فوق، رای صادر شده از شعبه دهم دیوان عالی کشور مورد تایید می‌باشد.»

رای وحدت رویه شماره ۷۵۷ – ۲۹/۰۱/۱۳۹۶ هیات عمومی دیوان عالی کشور

021-91016775
t.me/kartaban
www.kartaban.com

نظر به اینکه مطابق ماده ۱۵۷ قانون کار، رسیدگی به هرگونه اختلاف فردی بین کارفرما و کارگر که ناشی از اجرای این قانون و سایر مقررات کار باشد، در صلاحیت هیات‌های تشخیص و حل اختلاف قرار داده شده است؛ بنابراین، چنانچه دعوای دیگری غیر از آنچه که در ماده مرقوم به آن‌ها تصریح شده، بین اشخاص مذکور در فوق مطرح شود، رسیدگی به آن با توجه به اصل یکصد و پنجاه و نهم قانون اساسی که دادگاه‌های دادگستری را مرجع تظلمات و شکایات قرار داده، از صلاحیت هیات‌های مورد اشاره خارج و در صلاحیت دادگاه‌های دادگستری خواهد بود. بر این اساس، به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیات عمومی، رای شعبه دهم دیوان عالی کشور که دعوی مطالبه خسارت تاخیر تادیه محکوم‌به رای هیات تشخیص اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی را در صلاحیت دادگاه دانسته، صحیح و قانونی است. این رای طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

هیات عمومی دیوان عالی کشور

021-91016775
t.me/kartaban
www.kartaban.com